سنگ درمانی در طبّ ایرانی– اسلامی: مطالعه‌ای مروری

محبوبه فرخنده‌زاده[الف*]، معصومه دهقان[ب]

[الف]گروه معارف، دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
[ب] گروه تاریخ، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

سابقه و هدف: داروسازی (صیدنه) به سبب ضرورت و نیاز همیشگی انسان از قدیمی‌ترین دانش‌ها در سیر تاریخ علوم و تمدن بشری به‌شمار می‌رود. ساخت و ترکیب داروها مستلزم شناخت مواد دارویی بود. در میان داروها با منشأ گیاهی، حیوانی و مواد معدنی، سنگ‌ها نیز کارکرد دارویی و درمانی داشتند.

مواد و روش‌ها: این پژوهش به شیوهٔ توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر متون پزشکی متقدّم (*فردوس الحکمه*، *الحاوی*، *القانون*، *التّصریف*، *ذخیرهٔ خوارزمشاهی*) انجام گرفته است. تحقیق حاضر مطالعه‌ای مروری است که جستجوی کلیدواژگان اصلی آن، حجر و سنگ در متون دست اول پزشکی و نرم‌افزار طب در بازهٔ زمانی پنج‌ماهه انجام شد.

یافته‌ها: مطالعات حاکی از آن است که سنگ‌ها به‌عنوان مادهٔ دارویی در درمان انواع بیماری‌های جسمی، اختلالات روحی و حتی ناراحتی‌های پوستی تجویز شده‌اند. نحوهٔ کاربرد سنگ و جواهرات به شیوهٔ استعمال داروی مفرد، ساخت داروهای مرکّب، ترکیب در معجون‌ها و حَب‌ها بوده است. در مواردی پزشکان برای پیشگیری از ابتلا به بیماری و مداوای آن توصیه می‌کردند که بیمار سنگ به همراه خود داشته باشد.

نتیجه‌گیری: امروزه به سنگ‌درمانی به‌عنوان دیدگاهی جدید در درمان توجه می‌شود و مطالعات و تحقیقاتی دربارهٔ تأثیر سنگ‌ها انجام شده است. با توجه به کارکرد دارویی سنگ‌ها در پیشینهٔ تاریخی دانش پزشکی و داروسازی، می‌توان از تجربیات و نظرات اندیشمندان مسلمان در این حوزه بهره برد. گرچه کاربرد دارویی سنگ‌ها و کانی‌ها نیازمند مطالعه و روش‌های آزمایشی علمیِ نوین خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: سنگ درمانی، کانی‌شناسی، متون پزشکی

تاریخ دریافت: دی ۹۷
تاریخ پذیرش: فروردین ۹۸

مقدمه:

باورمندی به تأثیر ستارگان و افلاک، خواصّ جانداران و اشیاء و کارکرد طلسمات در سرنوشت انسان و اثربخشی آن‌ها در روش‌های طبی حکایت از ارتباط سحر و طبابت دارد. در این میان جواهرات و سنگ‌های تزئینی در رابطهٔ بشر و اعتقاد به قوای طبیعی جایگاه مهمی داشته است. بشر همواره میل ذاتی به زیورآلات داشته و از صدف، پر و استخوان حیوانات برای تزئین، تعویذ، نماد قدرت‌بخشی و اقتدار استفاده می‌کرد. جواهرات و سنگ‌های قیمتی علاوه بر جنبهٔ تزئینی و ارزش داشتن آن، در دانش پزشکی نیز کاربرد داشتند. اعتقاد پیشینیان بر آن بود که سنگ‌ها در پیشگیری و جلوگیری از ابتلا به بیماری و معالجهٔ آن مؤثر بودند. به نوشتهٔ اولمان ادبیات جادویی در حوزهٔ داروشناسی و دستورات آن بیشتر در مورد سنگ‌ها وجود دارد که به‌طور متداول در معالجات سحرآمیز استفاده می‌شد (۱). شواهد تاریخی دلالت بر آن دارد ملل باستانی از سنگ‌های تزئینی و غیر آن برای پیشگیری از بیماری، چشم زخم، حفظ عزت و خوشبختی، رفع تیره‌بختی، خواصّ درمانی، تعویذ، صیانت از بلایای طبیعی و ارواح خبیثه و بی‌اثر کردن نیروهای منفی استفاده می‌کردند. بنابراین باور به خواص درمانی و شفابخشی سنگ‌ها پیشینهٔ تاریخی دارد؛ چنانکه در کتیبه‌های سومری و طب سنتی و متون علوم ودایی هند باستان دستورات دقیقی دربارهٔ شفابخشی سنگ‌ها آمده است. همچنین در تمدن چین باستان و تمدن رومی تحت تأثیر آموزه‌های یونان از سنگ‌های صیقل داده شده برای رفع بیماری و طلسمات استفاده می‌شد (۲، ۳). در مصر باستان داروشناسی بخش مکنون آموزش و دانش پزشکی بود. مطالعهٔ پاپیروس‌های

* فرد مسئول مکاتبات: farkhondehzadeh@um.ac.ir

برجای مانده از حوزهٔ این دانش نشان می‌دهد که داروها سه منشاء گیاهی، حیوانی و معدنی داشتند (۴). گرچه اطلاعات از ایران باستان در این حوزه اندک و گاه پراکنده است، با این وجود بعد از گسترش اسلام در ایران، گوهرشناسی همواره به‌عنوان رشته‌ای خاص توجه مردم ایران زمین را جلب کرده است. نگاهی کوتاه به ادبیات فارسی، اشعار و متونی که با نام *جواهرنامه* به رشتهٔ تحریر در آمده است، مهم‌ترین گواه این ادعاست. با توجه به مطالب پیشین، در ادوار باستانی به سنگ‌ها و زیورآلات از جنبهٔ سحری و جادویی، عوامل فردی، اجتماعی و یا پزشکی توجه می‌شد. با پیچیدگی زندگی اجتماعی، رواج بازرگانی و تجارت و مهم‌تر از آن پیشرفت دانش و تعالی اندیشه، کاربرد زیورآلات و جواهرات به صورت سبکی از زندگی در آمد و رویکردی تزئینی یافت؛ اما اعتقاد به فواید طبی و نیز جادویی گوهرها به بوتهٔ فراموشی سپرده نشده است. انواع دارو در پیشینهٔ تاریخی داروسازی و داروشناسیِ طب ایرانی- اسلامی که سنگ‌بنای سنت دارویی پزشکان و داروسازان مسلمان است؛ ادویهٔ مفرده (ساده) و یا مرکب (داروی ترکیبی) بوده است. پایهٔ انواع داروهای مفرد و مرکب از سه منبع گیاهان، جانداران و مواد معدنی به‌دست می‌آمد. بررسی متون دارویی و پزشکی - که بخش و فصول مهمی از کتب پزشکی نیز به داروها اختصاص یافته است- نشانگر آن است گرچه گیاهان در تهیه و ساخت انواع ادویه بیشترین کاربرد را داشته‌اند، اما سایر نواع داروهای پایه؛ حیوانات و مواد معدنی مانند فلزات و سنگ‌ها نیز استعمال می‌شده‌اند. از این‌رو مسئلهٔ اصلی این نوشتار واکاوی جایگاه سنگ‌های قیمتی و غیر آن در پیشینهٔ تاریخی دارویی و پزشکی مسلمانان است. علاوه بر آن به خواصِ پزشکی سنگ‌ها و نحوهٔ استعمال آن‌ها در درمان انواع بیماری‌های جسمی و روحی اشاره شود که ضمن آن به اختصار به جنبهٔ غیرعقلانی و خرافی و ماورائی سنگ‌ها و جواهرات نیز پرداخته می‌شود.

نکتهٔ شایان توجه آنکه در پزشکی نوین، علم سنگ درمانی (Gem Therapy) یکی از رشته‌های طب مکمل معرفی شده است و در درمان‌های طبیعی کاربرد دارد. به گواهی اهل فن، سنگ‌ها دارای خواص مغناطیسی و درمانی‌اند و در طب مکمل و نوین از نور و اشعهٔ آن‌ها در درمان استفاده می‌شود. طبق این عقیده سنگ‌های قیمتی و غیر آن اشعه و حرارت کیهانی را جذب کرده و سپس پرتو و اشعه را به فرد منعکس می‌کند. در بدن انسان ارتعاشات متغیّر در تعادل جسم و روح ناهماهنگی ایجاد کرده و این عدم هارمونی سبب بیماری می‌شود و درمانگر می‌تواند با کمک ارتعاشات سنگ‌ها و کانی‌ها این ناهنجاری را کنترل کند (۳). «طب جایگزین» یا «طب مکمل» رشته‌ای جدید و تخصصی است که در آن از شیوه‌های مختلف درمانی همراه با طب رایج برای معالجهٔ بیماری‌ها استفاده می‌شود. ضروری است یادآوری شود که رویکرد این نوشتار بر مبنای سنت دارویی و پزشکی پیشینیان است، از این‌رو این مقدمهٔ کوتاه در موضوع کریستال درمانی نمی‌تواند تمام زوایای این شاخه از طب مکمل را تحت پژوهش و شناخت قرار دهد که خود پژوهش مستقل دیگری می‌طلبد. اما با توجه به سابقهٔ کاربرد سنگ‌ها در معالجهٔ انواع بیماری‌ها در مکاتب پزشکی می‌توان از نظرات و تجارب اندیشمندان به ویژه مسلمانان در پزشکی نوین بهره برد. البته روش نیازمند آزمایش، تخصصّ، مهارت و روش‌های نوین علمی خواهد بود.

مواد و روش‌ها:

مقالهٔ پیش‌رو به روش مطالعهٔ کتابخانه‌ای و با واکاوی و پژوهش متون تخصصّی و دست اول پزشکی و دارویی به رشتهٔ تحریر درآمده است. مسئلهٔ اصلی مطالعهٔ موردنظر، واکاوی و بررسی جایگاه اثربخشی سنگ‌ها در معالجات و باورمندی به ویژگی شفابخشی آن‌ها، با بازخوانی آثار پزشکان برجستهٔ مسلمان است. مطالعات نشان می‌دهد که مسلمانان متونی با عنوان *علم‌المعادن* به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند که در آن از انواع سنگ‌ها و کانی‌ها، علت تکوین، ویژگی‌های ظاهری، طبیعت و حتی خواصّ درمانی و ماورایی آن‌ها سخن گفته‌اند. از این‌رو در این پژوهش نخست به متون مستقل در این حوزه اشاره می‌شود و سپس آثار دارویی و پزشکی بازخوانی و مطالعه می‌شوند. از جمله متون متقدم و تخصصی در حوزه کانی‌شناسی *جواهرنامهٔ نظامی* و *تنسوخ‌نامهٔ ایلخانی* است. علاوه

بر آن نویسنده به منابع تاریخ طبیعیات و کیمیا نیز اشاره‌ای مختصر داشته است. در نهایت با بازخوانی متون متقدّم و تخصصی مسلمانان در حوزهٔ داروشناسی و داروسازی چون *الابنیه، الصیدنه، الشامل، تحفهٔ حکیم، اختیارات بدیعی و مخزن الادویه*؛ تلاش می‌شود از کاربرد سنگ‌ها در داروسازی مسلمانان ترسیمی به‌دست آید. مرحلهٔ نهایی پژوهش، مطالعهٔ اهمّ کتب پزشکان مسلمان *فردوسُ‌الحکمه، الحاوی، المنصوری، کامل الصناعه، القانون، التَصریف لِمَن عَجَزَ عَن التألیف، هدایه المتعلّمین فی الطب، ذخیرهٔ خوارزمشاهی، یادگار و العُمده فی الجراحه* بود که در این مبحث کاربرد و تجویز سنگ‌های نفیس و غیر آن به‌عنوان ادویهٔ درمانی در معالجهٔ انواع بیماری‌ها و همچنین نحوهٔ استعمال آن‌ها بازکاوی شد. روش مطالعهٔ نوشتار پیش‌رو جستجوی واژگان سنگ و حجر و اسامی سنگ‌های قیمتی مانند یاقوت، زمرد، فیروزه در نرم‌افزار طب و منابع کتابخانه‌ای بوده است. همچنین سرچ واژهٔ (Gem Therapy) در سایت گوگل و جستجوی مقالات در این زمینه با رویکرد درمانی بود؛ البته شاخصهٔ بررسی، آن دسته از مقالاتی بودند که در نشریات معتبر از سال ۲۰۱۰ به بعد چاپ شده‌اند. نکتهٔ در خور توجه که نویسندهٔ این مقاله در پی آن نیست که درستی و یا نادرستی سنگ‌درمانی را تبیین و توجیه کند؛ چرا که این مطلب پژوهشی مستقل و تخصص آن را می‌طلبد.

یافته‌ها و بحث:

پیشینهٔ علم کانی‌شناسی در تمدن ایرانی- اسلامی

دانش گوهرشناسی و کانی‌شناسی معرفی و شناسایی جواهرات و سنگ‌ها، توصیف مزاج، ویژگی و فواید دارویی آن‌ها است. دانشمندان مسلمان این دانش را از علوم اوائل و فروع علوم طبیعی دانسته‌اند و در این حوزه آثار و متونی را تألیف کرده‌اند. فخر رازی در دانشنامهٔ علوم خود *جامع العلوم* در بحث علم الجواهر از چند سنگ قیمتی و گرانبها مانند الماس، یاقوت، زبرجد و مروارید یاد کرده است. او در چند مورد به فواید پزشکی سنگ‌ها اشاره دارد و بیشتر به خواصِّ عجیب سنگ‌ها که پایهٔ آن خرافی و غیرعقلانی است، پرداخته است (۵). آملی بخش دوم *نفائس الفنون* را به علوم اوایل اختصاص داده و نوشته است: «علوم اوایل ۷۵ علم است که بررسی آن بر سه فن و مرتب بر ۵ مقاله است...»، مقالهٔ چهارم آن در باب فروع علوم طبیعی که مشتمل بر ده فن است؛ وی مقالهٔ چهارم از فنّ هفتم را به علم الخواص اختصاص داده است که یکی از فروع آن معرفت جواهر است. وی سنگ‌ها را معرفی و اطلاعاتی از ویژگی‌های ترکیبی و فواید پزشکی آن‌ها می‌دهد (۶). طاش کپری‌زاده در *مفتاح السّعاده* این علم را از فروع علوم طبیعی برشمرده است. وی در تقسیم‌بندی علوم حکمت نظری در قسمت سوم از علوم طبیعی سخن گفته که برای آن هفت علم فرعی لحاظ کرده است. بنا به تعریف وی علم معادن بررسی احوال فلزات و علم جواهر بررسی کیفیت جواهرات قیمتی و غیر آن است و دانشی است: «در آن از چگونگی و اوصاف گوهر بحث می‌شود و خواص علایم و مضرات هر یک مشخص می‌گردد.» (۷). به‌طور کلی آثار و تألیفات مسلمانان در حوزهٔ دانش سنگ‌شناسی را با توجه به محتوای متون، می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: ۱. آثار مستقل؛ ۲. متون تاریخ طبیعی و کیمیا؛ ۳. متون داروسازی

آثار مستقل (کانی‌شناسی)

متونی که در این حوزه تألیف شده که با عنوان کلی *جواهرنامه* (الجواهر) و *الاحجار* معرفی شده‌اند، کتاب‌هایی هستند که موضوع آن‌ها فقط به توصیف و معرفی سنگ‌ها و فلزات اختصاص دارد.

مطالعات انجام شده نشانگر آن است که هرمس نخستین کسی است که به بررسی سنگ‌های قیمتی و نفیس و غیرنفیس و فلزات پرداخته است (۸). سزگین در بخش علم کیمیا در بررسی آثار هرمس به کتاب *خواصّ الاحجار* او اشاره دارد؛ که با عنوان *منافع الاحجار و خواصّ الاشیاء* هم از آن یاد کرده است (۹). این دست‌نوشته دربارهٔ فواید سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی از حیث کاربرد آن‌ها در درمان بیماری‌ها به همراه تصاویری نمادین است. اثر *خواصّ الأحجار* منسوب به هرمس رساله‌ای است که در بیست و یک باب تنظیم شده است که هر باب به ویژگی‌های یک سنگ و خاصیّت شفابخشی آن‌ها اختصاص دارد. از شاخصه‌های این دست‌نوشته، نقوش سنگ‌ها

و مواد معدنی به همراه تصاویر علایم رمزی است. در این متن باورمندی به سحر و جادو و اثربخشی کواکب و احکام نجوم و تأثیر آن بر سنگ‌ها یافت می‌شود. چنانکه آمده است: «اگر فردی نقوش را به وقت جوزا که ساعت عطارد است بر انگشتر خود که از سنگ مغناطیس باشد؛ حک کند، خواصی دارد» (۱۰، ۸). علاوه بر این نقل شده است بقراط، جالینوس و دیسقوریدس نیز دربارهٔ سنگ‌ها اثری داشته‌اند و خواصّ دارویی هر یک را بیان کرده‌اند. از متون دیگر در این حوزه، اثر *الأحجار* منسوب به ارسطو است که دربارهٔ سنگ‌های معدنی و قدرت شفابخشی نوشته شده است. طبق دیدگاه برخی از صاحب‌نظران در دوران نهضت ترجمه، لوقابن‌سرابیون کتاب *الأحجار* که منسوب به ارسطو بوده را به زبان عربی برگردانده است (۱۲، ۱۱). کامل ابراهیم تحقیقی جامع دربارهٔ کتاب *الأحجار* انجام داده است. وی معتقد است گرچه بر خلاف دیدگاه مشهور، این اثر به ارسطو نسبت داده شده است، اما بر مبنای شواهد نویسندهٔ کتاب از شاگردان افلاطون است (۱۲). با این وجود دامنهٔ تأثیر اندیشه‌های این نوشته در بسیاری از متون علمی مسلمانان قابل پیگیری است. در کتاب *جواهرنامهٔ نظامی* نوشتهٔ جوهری نیشابوری (م: ۵۹۲ق) از کتاب *خواص* و *لغت الأحجار* ارسطو نقلِقول شده است (۱۳). علاوه بر این بسیاری از مؤلفان متون *جواهرشناسی* بدون اشاره به‌عنوان کتب از ارسطو نقل قول کرده‌اند (۱۵، ۱۴). استناد فلاسفه و پزشکان مسلمان به آرا و دیدگاه اندیشمندان یونان باستان، بازتاب اثربخشی آموزه‌های یونانیان در اندیشهٔ مسلمانان است.

بررسی‌های انجام شده دلالت بر آن دارد که پیشینهٔ تاریخی آثار تألیفی مسلمانان در حوزهٔ کانی‌شناسی و معدن‌شناسی به قرن دوم هجری باز می‌گردد. طبق گزارشی حدود ۲۶ کتاب به زبان عربی و ده اثر به زبان فارسی دربارهٔ احجار و معادن تا اوایل قرن یازدهم هجری نوشته شده است (۱۳). ساختار اصلی این متون آن است که به علل تکوین سنگ‌ها و جواهرات، ویژگی‌های طبیعی، قوت و جوهر و خواص دارویی، فواید و مضرات پزشکی و درمانی و در نهایت عجایب منحصربه‌فرد آن‌ها پرداخته شده است. نویسندگان برخی از این کتاب‌ها به سبب حرفه در این حوزه وارد شده‌اند و تجربیات و مشاهدات خود را نوشته‌اند. در *الفهرست* به متون، رسایل و کتبی تألیف شده در این زمینه اشاره کرده است. ابن‌ندیم در یادکردش به تألیفات یعقوب‌بن‌اسحاق کندی (۱۸۵-۲۵۹ق) رسایل «*رساله فی انواع الجواهر الثمنیه و غیرها*» و «*رساله فی أنواع الحجر*» اشاره کرده است. علاوه بر این در فنّ سوم از مقالهٔ هشتم *الفهرست* از اثری با عنوان *مزاجات الجواهر المعدنیه و عمل الفولاذ* و نیز کتاب *الجواهر و اصنافه* اثر محمدبن‌شاذان جوهری نوشته شده برای المعتضد خلیفهٔ عباسی (حک:۲۷۹-۲۸۹ق) نام برده شده است (۱۶). عطاردبن‌محمد حاسب منجّم، (م:۲۰۶ق) از قدیم‌ترین مؤلفین دربارهٔ سنگ‌شناسی و سنگ‌تراشی به‌شمار می‌رود که کتابی با عنوان *منافع الأحجار* به زبان عربی نوشته که در آن مطالبی دربارهٔ فواید طبی سنگ‌ها آورده شده است (۱۷). رازی در اثر پزشکی خود *الحاوی* به نظرات عطارد استناد کرده و همچنین این اثر از منابع بیرونی در *الجماهر* بوده است. *الجواهر و صفاتها* اثر ابوزکریا یوحنّابن‌ماسویه (م: ۲۴۳ق) از نخستین متون مستقل در علم کانی‌شناسی به‌شمار می‌رود که خوشبختانه بر جای مانده است. مؤلف در این دست‌نوشته به معرفی چند سنگ و بیان اوصاف و خواصّ آن‌ها اکتفا کرده است (۱۷). بیرونی (۳۶۳-۴۴۰ق) *الجماهر فی الجواهر* را در این حوزه به زبان عربی نگاشته است (۱۸). کارهای بیرونی در کانی‌شناسی بر مبنای علمی انجام شده است. وی وزن مخصوص هجده فلز و سنگ گرانبها را به دقت به‌دست آورد (۱۹). یکی از آثار برجسته در این حوزه که به زبان عربی نوشته شده *أزهار الأفکار فی جواهر الأحجار* نوشتهٔ احمد تیفاشی (م: ۶۵۱ق) است که به توصیف و معرفی ۲۵ سنگ بسنده شده است. از نکات در خور توجه در این کتاب آن است که نویسنده در جمع‌آوری مطالب خود از آرا و نظرات پزشکان چون ابن‌جزار (پزشک شمال آفریقا، درگذشتهٔ سدهٔ چهارم هجری)، ابن‌ربّن طبری، ابوسهل مسیحی و صهاربخت نیز استفاده کرده است (۲۰).

قدیمی‌ترین متن موجود به زبان فارسی در این علم *جواهرنامهٔ نظامی* نوشتهٔ محمدبن‌ابوالبرکات جوهری نیشابوری

(م: ۵۹۲ق) است. این اثر به جهت قدمت و نیز به سبب حرفهٔ جواهری مؤلف، بسیاری از مطالب کتاب، اطلاعات شخصی و تجربیات وی طی سفرها حایز اهمیّت است. این دست‌نوشته در دو مقاله تنظیم شده که مقالهٔ دوم به سنگ‌ها اختصاص دارد (۱۳). در این اثر به چند نکته می‌توان اشاره کرد؛ نخست آنکه نویسنده در پایان معرفی و شناسایی سنگ‌ها، موضوعی را به منافع و خواصّ سنگ اختصاص داده است. در این مبحث از ویژگی‌ها، کیفیت و خواصّ شفابخشی و درمانی آن‌ها در معالجهٔ بیماری‌ها سخن گفته است؛ مثلاً سنگ یاقوت را برای دفع طاعون مؤثر دانسته است. بیان طبیعت سنگ‌ها که دلالت بر گرمی و یا سردی آن‌ها دارد و نیز تأکید نویسنده به اثربخشی جواهرات بر حالات جسمی و روحی افراد از مواردی است که به آن پرداخته شده است. برای نمونه حجرالعین را دافع چشم بد می‌داند و یا دربارهٔ حجر کرکی نوشته است کسی که آن را با خود به همراه داشته باشد، سحر در وی اثر نکند (۱۳). *تنسوخ نامه* اثر خواجه نصیرالدین توسی (۵۷۹-۶۵۳ق) از مهم‌ترین متون ارزشمند در شناخت، اهمیت و منافع سنگ‌ها، گوهرها و فلزات است؛ صفدی از این اثر با عنوان *رساله الجواهر* یا *کتاب الجواهر* یاد کرده است (۲۱). این متن در چهار مقاله تنظیم شده است و هر مقاله مشتمل بر چند فصل است. مقالهٔ اول در معدنیات؛ مقالهٔ دوم در جواهرات که از سنگ هستند؛ مقالهٔ سوم در فلزات و چهارم در عطر و معاجین. خواجه بعد از معرفی و بیان کیفیت و مشخصات سنگ به خواصّ درمانی آن‌ها اشاره دارد که برای معالجهٔ بیماری‌ها مفید بوده است (۲۲). علاوه بر *جواهرنامهٔ نظامی* و *تنسوخ ایلخانی*، از آثار متأخر فارسی در این حوزه باید از *عرایس الجواهر و نفایس الاطایب* کاشانی (سدهٔ هشتم) نام برد. چنانکه از نام کتاب پیداست در معرفت خواصّ جواهر و عطرها نوشته شده است. این اثر دو بخش دارد که مقالات اول و دوم به معرفی، کیفیت و شناسایی سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی اختصاص دارد. در این دست‌نوشته نیز دربارهٔ خاصیت گرمی و سردی احجار، اثربخشی طبّی و حتی درمان‌های سحرآمیز نکاتی آمده است (۱۵). *معرفه الجواهر* اثر محمدبن‌منصور (م: سدهٔ دهم) که می‌توان آن را از آخرین نگاشته‌های مسلمانان دانست؛ دو مقاله دارد و مقالهٔ نخست از شناسایی و معرفی سنگ‌ها و جواهرات اختصاص دارد؛ مؤلف در مقالهٔ اول دست‌نوشتهٔ خود به معرفی پادزهرهای معدنی و حیوانی استفاد شده در طبّ سنتی پرداخته است (۲۳).

آثار تاریخ طبیعی و کیمیا

گروه دیگر کتاب‌هایی هستند که در حوزهٔ تاریخ طبیعی و کیمیا نوشته شده‌اند، گرچه داده‌های این نوع از کتاب‌ها در حوزهٔ زمین‌شناسی قرار دارد و به تکوین و مراحل معادن و سنگ‌ها اختصاص دارد، اما اطلاعات مختصری دربارهٔ خواص سنگ یافت. کتاب *القراضه* غانمی، فصل سوم آن به «اندر مسائل معدنی» اختصاص دارد که نویسنده به ویژگی طبیعی سنگ‌ها و اخلاط چهارگانهٔ آن اکتفا کرده است (۲۴). همچنین رسالهٔ پنجم *رسائل اخوان‌الصّفا* که به تکوین معادن و سنگ‌های معدنی پرداخته است، در این دسته از متون قرار می‌گیرند (۲۵).

آثار داروسازی

از سدهٔ سوم هجری کتاب‌هایی با هدف بیان خواص دارویی گیاهان و کانی‌ها نوشته شده است که بخشی از این کتاب‌ها به خواص دارویی سنگ‌های معدنی اختصاص دارد. گرچه شمول و جامعیّت آثار داروشناسی و داروسازی مسلمانان دربارهٔ گیاهان به مراتب از دو نوع دیگر بیشتر است، اما دسته‌بندی، معرفی جایگاه درمانی و خواص دارویی کانی‌ها و از جمله سنگ‌های قیمتی و غیر آن نیز در خور توجه است. به گزارشی جالینوس داروهای تجویزی را خود تهیه می‌کرد و می‌ساخت. او حدود ۴۷۳ نوع داروی گیاهی، حیوانی و معدنی را توصیف کرده است (۴). در حوزهٔ دارویی کتاب *هیولی الطب فی الحشائش و السموم* که ترجمهٔ عربی دست‌نوشتهٔ دیسقوریدس (Pedanius Dioscorides) -داروشناس مشهور یونانی که در فاصلهٔ سال‌های ۴۰ تا ۹۰ میلادی زندگی می‌کرد- است، اثری شگفت بر متون داروشناسی و داروسازی گذاشت. وی نخستین حکیمی بود که اهمیت و ضرورت کاربرد هر سه نوع مواد گیاهی، جانوری و معدنی را برای درمان دریافت (۲۶). گرچه محتوای اثر، معرفی و توصیف گیاهان داوریی است، اما به بیشتر از صد

کانی، از جمله فواید پزشکی سنگ‌ها نیز در متن هم اشاره شده است (۲۷). در جهان اسلام نیز این دست‌نوشته الگویی برای نگارش آثار علمی مسلمانان در حوزه‌های مختلف جواهرشناسی، پزشکی و دارویی شد. *الأبنیه عن حقایق الادویه* هروی و *الصیدنه* بیرونی را می‌توان از نخستین متون تولیدی در این زمینه معرفی کرد. هروی که هدف از نگارش اثرش را ذکر طبیعت، فواید و مضرّات ادویهٔ مفرده دانسته است؛ در بخشی از دست‌نوشتهٔ خود از سنگ‌هایی نام برده است که در پزشکی کاربرد دارند (۲۸). بیرونی از سنگ‌های قیمتی و غیر آن در اثرش یاد کرده و اطلاعاتی دربارهٔ ویژگی درمانی آن‌ها داده است (۲۹). در کتاب *الجامع المفردات الأدویه* نوشتهٔ ابن‌بیطار (م: ۶۴۶ق)، از مجموع حدود ۱۴۰۰ دارو، ۱۱۶ مورد آن منشأ معدنی دارند که دربارهٔ سنگ و کانی‌ها است (۱۴). علاوه بر این کتب *الشامل فی الصناعه الطبّیه* ابن‌نفیس (م ۶۸۷ق) و *اختیارات بدیعی* نوشتهٔ انصاری شیرازی (۷۲۹-۸۰۶ق) در بخش ادویهٔ مفرده به فهرستی از سنگ‌ها با خواص پزشکی اشاره شده است (۳۱، ۳۰). همچنین از کتب متأخر در حوزهٔ دارویی باید از *تحفهٔ حکیم* و *مخزن الادویه* نوشتهٔ عقیلی خراسانی (۱۱۸۵م) یاد کرد که هر دو در شمار آثار مهم داروسازی و داروشناسی پارسی به‌شمار می‌روند. نویسندگان این آثار در متون خود در ذیل عنوان حجر بعد از بیان توصیف ویژگی‌های ظاهری سنگ‌ها و سخن از طبیعت گرمی و سردی آن‌ها به کارکرد درمانی احجار در پزشکی پرداخته‌اند (۳۳، ۳۲). عقیلی به کاربرد پزشکی آن‌ها و انواع سنگ‌های نفیس مانند یاقوت، فیروزه و زمرد نیز اشاره می‌کند (۳۳).

علاوه بر موارد یاد شده باید از متونی که با عنوان *السموم* تألیف شده است نام برد که موضوع این دسته از آثار دربارهٔ سم‌شناسی و معرفی سموم و درمان انواع مسمومیت‌های ناشی از گیاهان، مواد معدنی و گزش حیوانات است که می‌توان این متون را در حوزهٔ دارویی قرار داد. در این آثار مطالبی دربارهٔ مسمومیّت ناشی از برخی سنگ‌ها و یا توصیف برخی جواهرات دارای ویژگی پادزهر آمده است (۳۴).

جایگاه سنگ درمانی در متون پزشکی مسلمانان

در متون تألیفی پزشکان مسلمان علاوه بر توصیف و شناسایی سنگ‌ها، به کارکرد دارویی آن‌ها در معالجهٔ انواع بیماری‌ها اشاره شده است. فهرست آثار و رسایل رازی در باب سنگ‌ها را باید هم در دانش کیمیا و هم متون پزشکی او جستجو کرد. در حوزهٔ کیمیا در فهرست آثار او از *رسایل الحجر*، *الحجر الاصفر*، *خواصّ حجر* و *شواهد حجر* یاد شده است (۳۶، ۳۵، ۱۶). البته آثار رازی بدر حوزهٔ کیمیا است و به علم کانی‌شناسی ارتباطی ندارد. در تمامی متون پزشکی رازی سنگ‌ها در معالجات درمانی کاربرد داشته‌اند. در *الحاوی* به‌عنوان جامع‌ترین اثر رازی مداوای ناراحتی‌های تن، چشم، بیمارهای پوستی، اعصاب و روان، درمان جراحات، رویش مو، حتی سرطان، سنگ‌ها کاربرد داشته‌اند (۳۷). در آثار دیگر رازی چون *المنصوری فی الطب*، *من لا یحضره الطبیب*، *طبّ الملوکی* و *تقاسیم العلل* نیز سنگ‌ها برای معالجه تجویز شده‌اند و در فهرست ادویهٔ مفرده از سنگ‌ها نام برده شده است (۴۱-۳۸). ابن‌سینا یکی از پزشکانی است که از سنگ‌ها و کانی‌ها برای مداوای بیماری استفادهٔ بسیار کرده است. فنّ پنجم شفا به دانش طبیعیات اختصاص داده شده است؛ این بخش مشتمل بر دو مقاله؛ زمینی و آثار علویه است. فصل پنجم از مقالهٔ زمینی دربارهٔ علل تشکیل و کیفیت تکوین معادن و شناسایی و ترکیبات سنگ‌ها (قیمتی و غیر آن) است. او در این مبحث از انواع سنگ‌ها و جواهرات سخن گفته و مواد معدنی را به حجر، ذائبات، کباریات و املاح تقسیم کرده است. آرای ابن‌سینا در *شفاء* دربارهٔ معادن و احجار از حیث زمین‌شناسی حایز اهمیت است (۴۲). بررسی *القانون* نشان می‌دهد که او در بسیاری از معالجات خود از بیماری‌های جسمی، اعصاب و روان، بیماری‌های زبان، درمان عارضهٔ کم‌بینایی، بیماری معده، چشم، پاکسازی دندان و حتی بیماری‌های قلبی که تجویز دارو به صورت ادویهٔ مفرده و یا اقراباذین بوده، از سنگ‌ها استفاده می‌کرده است. در مجلد دوم *القانون* حدود ۸۰۰ دارو با منشأ گیاهی، حیوانی و کانی‌ها نام برده شده است که در این فهرست فواید پزشکی سنگ‌ها مانند حجر الیهود، حجر عسلی، حجر الأرمنی و ... نیز موجود است. علاوه بر این او در موضوع موادّ

سمی و ضررهای ناشی از آن برای سلامتی افراد، از سنگ‌ها نیز نام برده است (۴۳).

اهوازی مجوسی در مقالهٔ دوم جزء سوم اثرش *کامل الصناعه*، به داروهایی می‌پردازد که منشأ معدنی دارد و در ترکیب دارویی که برای درمان ناراحتی‌های جسمی مانند معده، انواع سردرد، بیماری‌های پوستی، ادویهٔ مسهل و حتی پاکسازی دندان استفاده می‌شد، از سنگ‌ها نیز یاد کرده است (۴۴). در متن پزشکی *هدایه المتعلّمین* اَخوَینی بخاری، نخستین پزشک پارسی‌نویس ایرانیِ مسلمان، سنگ‌ها کاربرد کمتری داشته‌اند. در این اثر به‌عنوان نمونه در یک مورد درمان بیماری سنگ کلیه با «حجر الیهود» تجویز شده است (۴۵). جرجانی نیز در تمامی آثار پزشکی خود به کارکرد سنگ‌ها در معالجات درمانی اشاره دارد. در کتاب *یادگار* که با توصیف بیشتر از ۱۷۰۰ داروی مفرد، ادویهٔ مرکب، معاجین و حب‌ها و تریاق‌ها، در دانش داروشناسی اهمیت ویژه‌ای دارد، از فواید برخی از سنگ‌ها در حوزهٔ درمانی یاد شده است (۴۶). در متن کتاب *خفی علایی* و همچنین *الأغراض الطّبیه* از بخار ناشی از سنگ برای مداوا استفاده شده و به بسیاری از سنگ‌های تزئینی و غیر آن، اشاره می‌شود (۴۸، ۴۷). *ذخیرهٔ خوارزمشاهی* اثر مهمّ جرجانی در پزشکی است که در این کتاب، از انواع سنگ‌ها برای مداوای انواع بیماری‌های تن، بیماری چشم و تهیهٔ سرمه و پیشگیری از ریزش مژه استفاده شده است (۴۹).

زهراوی نیز از پزشکانی است که در اثرش *التصریف لِمَن عَجَز عن التّألیف* به کرّات از سنگ‌ها برای درمان یاد کرده است. وی برای مداوای بیماری‌های جسمی، بیماری‌های روحی و روان، پوستی و حتی کوفتگی و داروهای مسهل در ترکیب داروهای اقراباذین از سنگ‌ها استفاده می‌کرده است. علاوه بر این وی در بخشی از دست‌نوشتهٔ خود به ضررهای داروهای معدنی اشاره کرده که پادزهر برخی از آن‌ها تجویز سنگ‌های دیگر بوده است (۵۰). ابن‌قف از پزشکان برجستهٔ سدهٔ هفتم، در مبحث «پرهیز داروهای مرکّب» از انواع سه‌گانهٔ دارو با منشأ گیاهی، حیوانی و کانی نام برده است و بهترین نوع آن منشأ معدنی برگرفته از معادن معروف دانسته است (۵۱). در متون تخصّصی دانش چشم‌پزشکی (۵۲) و دندان‌پزشکی نیز به سنگ‌ها اشاره شده که برای ساخت داروهایی که کاربرد درمانی و پیشگیری داشته‌اند. حنین‌بن‌اسحاق در رسالهٔ *حفظ الأسنان و استصلاحها* که موضوع آن پیشگیری و درمان بافت دندان‌ها است، برای حفظ سلامتی و بهداشت دندان‌ها و مداوای بیماری‌های آن از داروهایی با ترکیبی از سنگ‌ها و کانی‌ها یاد می‌کند (۵۳). در *دانشنامهٔ حکیم میسری* که قدیمی‌ترین رسالهٔ منظوم پزشکی به زبان فارسی است، در ابیاتی سخن از فواید طبی سنگ‌ها است (۵۴).

ز سنگ لاجورد نیک باید از این هر داروی کمتر نباشد

اثربخشی متافیزیکی سنگ‌ها

تاریخ پزشکی در سیر تحولات خود با فراز و نشیب‌های بسیار همراه بوده است. پیش از آنکه دانش پزشکی بر پایهٔ علمی و تجربیات بالینی قرار گیرد، خرافات و روش‌های تمثیلی و سحرآمیز در تشخیص و درمان بیماری کاربرد داشت. گرچه معالجات جادویی، نامعقول و غیرعقلانی به‌نظر می‌رسید؛ اما کاربرد آن تنها به جهت خرافه‌پرستی نبود و گاهی بشر اولیه بر حسب ضرورت و به دلیل عدم شناخت و احاطهٔ کافی به معالجهٔ بیماری‌ها به قوای طبیعی و روش‌های غیرعلمی متمسّک می‌شد. با پیشرفت دانش پزشکی به‌نظر می‌رسید اعتقاد به تأثیر جادو و کهانت در علل و معالجهٔ بیماری به بوتهٔ فراموشی سپرده شده و روش‌های علمی جایگزین طبابت خرافی شد. گرچه پزشکان مسلمان توانستند خردگرایی طب جالینوس را با علوم مکنونه تلفیق کنند؛ اما در متون و دست‌نوشته‌های پزشکان اعتقاد به روش‌های درمانی جادویی و روش‌های تمثیلی مشاهده می‌شود. گذشتگان بر این باور بودند که سنگ‌ها دارای خواص مغناطیسی و درمانی‌اند و از این جهت در طب سنتی کاربرد داشتند. کاربرد درمانی سنگ‌ها برای هماهنگی جسم و روح بود. *فردوس الحکمه* نوشتهٔ علی‌بن‌ربّن طبری دائره‌المعارف پزشکی یا کُناشی است که به‌عنوان نخستین اثر جامع و مدون پزشکی به‌شمار می‌رود. وی در دست‌نوشتهٔ خود تلفیقی از مطالب غیرمرتبط با آموزه‌های

پزشکی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، نجوم، تاریخ، هواشناسی و موضوعات خرافی آورده است. سنگ‌های معدنی از جمله مواردی است که وی از خواص و عجایب منحصربه‌فرد آن‌ها که در حوزه‌های مختلف از جمله پزشکی کاربرد داشته‌اند، سخن گفته است. در اثر ابن‌ربَّن داروهای جادویی و کارکرد تعاویذ و شیوه‌های آمیخته با خرافات، به وفور مشاهده می‌شود (۵۵). ابن‌ربَّن طبری را می‌توان از نخستین پزشکانی دانست که با پرداختن به کهانت و اندیشه‌های پزشکی جادویی زمینه‌ساز ورود این نوع نگاه و اندیشه به مکتب پزشکی مسلمانان شده است. نوشته‌ها و متون طبری (۵۶)، که پزشکی آموزش دیده بود و نظریات وی بر مبنای پزشکان مکاتب یونانی، هندی و جندی‌شاپور استوار است، خالی از دعا، سحر و اعتقاد به پدیده‌های درمانی خرافی نیست. بخش عمده‌ای از مطالب این اثر به نگرش‌های نجومی، بیان خواص و ویژگی‌های گیاهان، حیوانات، سنگ‌ها و کانی‌ها اختصاص دارد. طبری در یادکردش نظرات خود را با نقل از کتاب‌های اطبای یونان چون دیسقوریدوس، اسکندر طرالسی (پزشک رومی م: ۶۰۵م)، جالینوس و دیگران مستند کرده است: «اسکندر و دیسقوریدوس و دیگر فرزانگان از این افسونها یاد کرده‌اند و آن را پایهٔ درمان خود قرار می‌دادند» (۵۷). وی بارها در اثر خود به ثمربخشی و کارکرد سنگ‌ها به‌عنوان شیوه‌ای در معالجه سخن گفته است؛ «سنگی را دیدم برای بیماری آبله مانند خرمهره که بخش پایانی آن به سرخی می‌زد»، «سنگی از سرزمین هند است که آن را به شکم بیمار استسقایی می‌بندند تا آب را بکشد»؛ یا «اگر جوجه‌های پرستو را از لانهٔ پرستو گرفته و شکم آن‌ها را بشکافند، درون آن دو سنگ می‌یابند که یکی دارای یک رنگ و دیگری چند رنگی است، اگر هر دو را در کیسه‌ای بگذارند و به بیماری صرعی آویزان شود، برای او سودمند است» (۵۷). برای نمونه وی از سنگی نام برده است که کارکرد آن برای سقط جنین است و یا سنگی که آن را به شکم بیمار استسقایی بسته تا آب درون شکم وی را جمع کند. همچنین او با شگفتی نوشته است: «سنگی را دیدم که بعد از شکستن، چیزی شبیه پنبه در آن موجود است که با آتش نمی‌سوزد»؛ و یا از فواید سنگ مغناطیس برای گریز مورچگان یاد کرده است (۵۷). باورمندی و اعتقاد رازی به امور تمثیلی را می‌توان با نگارش کتاب *الخواص* یافت. ابن‌ابی‌اصیبعه از این کتاب با عنوان *فی خواصّ الأشیاء* یاد کرده است (۵۶). محمّدبن‌سرخ نیشابوری، دربارهٔ *الخواص* رازی چنین گفته است: «بدان که محمّدبن‌زکریاء الرّازی کتابی تصنیف کرده اندر خاصّیت چیزها و بسیار سخن اندرو بیاورده است از قوی و ضعیف و فربهی و لاغر». این اثر مورد استفادهٔ دانشمندان اسلامی از جمله بیرونی قرار گرفته است (۵۸). گرچه در متون مختلف در طبقه‌بندی علوم از علم الخواص یاد شده است، اما در خصوص آن تحقیق جامعی انجام نشده است. آملی در تعریف آن آورده است: «عبارت است از شناختن خاصیّت موجودات عالم سفلی و منافع و صفات هر یک از آن و چون اصناف موجودات بی‌شمارند و در هریک خاصیّات بسیار، احاطه بدین قسم از قبیل محالات است.» (۶). در متونی که با عنوان *الخواص* نوشته شده است، از روابط نامحسوس و ویژگی‌های پنهانی اشیاء و موجودات زنده به ویژه حیوانات و اثربخشی آن‌ها بر حیات و سرنوشت آدمی سخن گفته شده است. منابع رازی در گزارش این موضوعات، اطبّای یونانی مانند جالینوس و ... است که می‌توان به تأثیرگذاری مکتب پزشکی یونان در رسوخ روش‌های جادویی در مکتب پزشکی مسلمانان اشاره کرد. گرچه برخی از صاحب‌نظران انتساب اثر *الخواصّ* را به رازی رد کرده‌اند، اما طبق گزارشی که در برخی از نوشته‌های وی موجود است رازی در دوران نوجوانی برخی از علوم از جمله علوم غریبه را آموخته بود. او در یکی از متون خود دربارهٔ خواصّ اشیاء و باورمندی به آن‌ها از جمله سنگ‌ها نوشته است: «ما می‌گوییم سنگ‌های قیمتی کاربرد مفید دارند و عقل نمی‌تواند معرفت علت آن را درک کند؛ ما هر آنچه را که عقل نتواند بفهمد یا درک کند، مطرح نمی‌کنیم، زیرا در طرح آن منفعت خود را از دست می‌دهیم، اما ما آن مطالب را بعد از تجربهٔ خود و یا افراد دیگر افزوده‌ایم و بعد از آزمودن و امتحان به آن اعتماد می‌کنیم» (۵۹). باور به خواصّ مکنونات را می‌توان در متون پزشکی دیگر نیز یافت. چنانکه زهراوی در

موضوع بیماری صرع در بیان علل آن نوشته است: «گاهی این بیماری به جهت تسخیر جن و شیاطین عارض می‌شود و روش درمان آن همراه کردن سنگ با بیمار است» (۵۰). انصاری شیرازی نیز مطالبی دربارهٔ خواص و ویژگی‌های منحصربه‌فرد سنگ‌ها نوشته است؛ چنانکه برای فراموشی عشق همراه کردن سنگ رخام را مفید دانسته است (۳۱). تأثیر جادویی سنگ‌ها را بیشتر می‌توان در موضوع زایمان، حفظ جنین و مراقبت طفل یافت (۴۹). طبری گزارشی به نقل از رئیس بیمارستان جندی‌شاپور آورده که به ویژگی درمانی سنگ برای حفظ جنین اشاره دارد: «نزد خانواده‌ای در اهواز سنگی هست که جنین را از آغاز نگه می‌دارد ...، چنان است اگر دو زن آبستن به یکدیگر برخورد کنند، زنی که این سنگ را به همراه نداشته باشد، جنین وی می‌افتد»؛ یا می‌نویسد: «در ری که بودم سنگی به زنان می بستند تا جنین را نگاه دارد و سنگی دیگر هم بوده که من این دو سنگ را در سرای فرزند صدقه زرگر نصرانی یافتم و گفته شده که در دیلم از این سنگ‌ها که باعث حفظ جنین گردد بسیار است» (۵۷). زهراوی برای آسان شدن زایمان آویزان کردن سنگ الماس را به گردن زن زائو توصیه کرده است (۵۰) و بلدی به تأثیر سنگ حجر السیف اشاره کرده است که زن به هنگام وضع حمل باید در دست داشته باشد (۶۰). زهراوی همچنین برای پیشگیری از ابتلای کودک به بیماری نوشته است: «به محض تولد طفل پیش از آنکه وی را به زمین گذارند برای اینکه مادر و طفل مبتلا به بیماری صرع نشوند سنگ زمرّد بر گردن آن‌ها آویزان گردد» (۵۰). در حقیقت آشنایی مسلمانان با آثار ایرانی، هندی و نیز ترجمهٔ کتاب گزنوکراتس که دربارهٔ تأثیر درمانی و دارویی سنگ‌ها نوشته شده بود و در سدهٔ سوم هجری به عربی برگردانده شد (۱)، در گرایش فکری و باور مسلمانان و از جمله پزشکان تأثیرگذار بوده است و بی‌شک در این میان، آموزه‌های فلاسفه و اندیشمندان یونان باستان در این حوزه جایگاه مؤثری داشته است.

سوای متون پزشکی کارکرد سحرآمیز جواهرات را می‌توان در دستهٔ دیگر از متون که با عنوان کلی *عجایب‌نامه* به رشتهٔ تحریر در آمده، مشاهده کرد. گرچه سبک و سیاق این متون با دیگر کتب تفاوت دارد، اما به جهت آنکه مطالبی دربارهٔ خصوصیات خواص و منافع جانداران و اشیاء و از جمله احجار در آن‌ها آمده است، نمی‌توان از نظر دور داشت. *عجایب‌نامه* نوشتهٔ همدانی (سدهٔ ششم قمری) و *عجایب المخلوقات* قزوینی (۶۰۲- ۶۸۲ق) از زمرهٔ این آثار هستند که بخشی از موضوعات و عناوین آن به معادن و سنگ‌ها اختصاص دارد. در این آثار جدا از موهومات و مطالب غیرعقلانی از فواید طبّی سنگ‌ها نیز سخن گفته شده است (۶۲، ۶۱). *نخبه الدهر* از دیگر متون تألیفی در این زمینه است که نویسنده، باب دوم را به کانی‌ها و سنگ‌ها اختصاص داده که مشتمل بر یازده فصل است. در این اثر ضمن بیان ماهیّت، چگونگی پیدایش و خواصّ سنگ‌ها به فواید درمانی آن‌ها نیز پرداخته شده است (۶۳).

شیوهٔ کاربرد دارویی سنگ‌ها در متون پزشکی

مطالعه بر روی متون پزشکی مسلمانان روش کاربرد سنگ‌ها به‌عنوان مادهٔ دارویی به روش‌های گوناگون بوده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

- از سنگ‌های تزئینی و غیر آن به صورت داروی مفرده و یا در ترکیب داروهایی با منشأ حیوانی و یا گیاهی استفاده می‌شده است (۴۳).

- در مواردی برای درمان یک بیماری، نوع خاصی از سنگ مفید دانسته شده است؛ چنانکه حجر المصری برای درمان انواع سردرد، حجر المثانه برای بیماری مثانه و حجر الیرقان برای مداوای بیماری یرقان کاربرد داشته است (۴۳). زهراوی کاربرد «حجر الحیه» را برای مداوای کودک مصروع مفید دانسته است. همچنین به نوشتهٔ او برای پیشگیری از ابتلا به این بیماری باید کودک سنگ یاقوت و یا «حجر المسن» را با خود به همراه داشته باشد (۵۰).

- برای پاکسازی بدن از سموم و مواد غذایی نیز تجویز سنگ‌ها یکی از روش‌های درمانی بوده است. در گذشته پزشکان معتقد بودند برای مداوا، نخست بدن بیمار را باید از

مادۀ سودایی یا صفرایی پاکسازی کرد و سپس معالجه انجام شود. در پاکسازی بدن برای مداوای انواع بیماری‌ها از ترکیب دارویی متشکل از سنگ‌ها توصیه شده است (۵۷، ۵۰).

- کاربرد دیگر سنگ‌ها در ساخت معاجین و داروهای اقراباذین بود و نحوۀ مصرف آن به شیوۀ خوراکی بوده است. چنانکه بهترین عملکرد سنگ یشب در ساخت معجونی برای ناراحتی‌های معده دانسته شده است و یا معجون یاقوت که از خرده‌های یاقوت ساخته شده بود، برای بیماری‌های خاصی تجویز می‌شد (۴۳).

- استنشاق بخار سنگ روش دیگری بود که در درمان برخی از بیماری‌ها تجویز می‌شده است. برای بیماری سل و یا جلوگیری از خونریزی دهان آمده است: «سنگ داغ داخل شیر بز انداخته شود تا شیر از حرارت سنگ به جوش آید». همچنین استنشاق بخار سنگ که ناشی از حرارت آن بوده برای درمان جراحات ناشی از نیش کژدم و زکام مفید بوده است (۵۷، ۴۸، ۴۳).

- ابن‌سینا در معالجات پزشکی خود از سنگ درمانی به شیوۀ دیگر بهره برده است؛ وی دراز کشیدن بر روی سنگ را به‌عنوان شیوۀ درمانی معرفی کرده است. چنانکه برای مداوای بیماری تشنج به بیمار توصیه کرده است که حمام خشک گرفته و در داخل حمام بر روی سنگی گرم بخوابد (۴۳).

- ابن‌سینا در ساخت دارو، از داروهایی با عنوان سنگ‌ها یاد کرده است؛ مانند حبّ لاجورد و معجون یاقوت. او معجون یاقوت را از ساخته‌های خود می‌داند که با ترکیب چند سنگ مانند یاقوت، یشم و دیگر گیاهان دارویی ساخته شده است که برای درمان بیماری کبد، درد مفاصل، بیماری‌های سر و مغز مفید بوده است (۴۳).

- کارکرد سنگ‌ها در معالجات پزشکی گاهی به صورت همراه کردن آن با بیمار بوده است. چنانکه ابن‌سینا برای مداوای بیماری معده نوشته است که بیمار سنگ را به گردن خود آویخته و آن را در برابر معده قرار دهد. هچنین برای شخصی که دچار مارگزیدگی شده، توصیه شده است، سنگ حجر الحیه را با خود به همراه داشته باشد (۴۳).

- پزشکان نیز بر مبنای طب قدیم، خاصیّت سنگ‌ها را بر مبنای اخلاط چهارگانه (سردی، خشکی، تری و گرمی) آورده‌اند (۴۳، ۲۴).

- کارکرد سنگ‌ها از جنبۀ زیباشناختی و زیبایی نیز مورد توجه پزشکان بوده است؛ چنانکه سنگی با نام حجر الفلفل برای زیبایی پوست و از بین بردن لک صورت تجویز می‌شد (۴۳، ۴۰).

- کارکرد درمانی برخی از سنگ‌ها در درمان بیماری‌های اعصاب و روان و اختلالات روحی به ویژه مالیخولیا (۵۰، ۴۳، ۳۷).

- اشاره به مضرّات برخی از سنگ‌ها و جواهرات برای سلامتی (۴۳، ۳۴).

- برخی از سنگ‌ها به‌عنوان پادزهر کاربرد داشتند و برای دفع سموم تجویز می‌شدند (۵۷، ۳۴، ۱۸).

- تأکید بر خواصّ مکنون سنگ‌ها و جواهرات بر افراد مانند دفع چشم زخم و بی‌اثر کردن سحر.

- کاربرد سنگ‌ها برای پیشگیری از بیماری و معالجۀ آن برای انواع بیماری از جمله ناراحتی چشم (۵۲، ۳۷).

- در متون پزشکی و داروشناسی علاوه بر توصیف خواصّ دارویی داروها، به کارکرد گیاهان و مواد معدنی در معالجات جادویی و سحرآمیز که مبتنی بر باورهای خرافی و غیرعقلانی بود، اشاره شده است. گرچه بیشتر در این باره پزشکان اظهار نظر علمی نکرده‌اند، اما این نوع اندیشه و رسوخ آن در آثار پزشکی و دارویی دلالت بر ارتباط علم پزشکی در گذشتۀ تاریخی خود با اندیشه‌های کهانت دارد. برای نمونه می‌توان به تأثیر جواهرات در دفع آفات و جانوران موذی اشاره کرد (۵۷).

نکتۀ پایانی آنکه سنّت داروسازی تحت تأثیر جالینوس تا سدۀ نوزدهم میلادی ادامه یافت. در ایران تحول داروسازی با حضور پزشکان خارجی به این سرزمین در دورۀ صفویان آغاز شد. اما روند تحولات به سبب فروپاشی سیاسی و دگرگونی‌های اجتماعی تا دوران قاجار چندان محسوس نبود. در دوران ناصری با تأسیس مدرسۀ دارالفنون (۱۲۶۸ق) و حضور چشمگیر پزشکان اروپایی به تدریج داروهای شیمیایی جایگزین

سنّت داروسازی جالینوسی و سینوی شد. به گزارشی به سال ۱۲۶۸ق (۱۸۵۲م) مریض‌خانهٔ دولتی که بیمارستانی نظامی بود، بنا شد و داروخانهٔ آن، نخستین داروخانه با داروهای فرنگی بود (۴). گرچه با رسوخ پزشکی نوین در ایران، سنگ‌ها به‌عنوان مادهٔ دارویی و درمانی کاربرد ندارند، اما باورمندی به اثربخشی سحرآمیز آن‌ها در معالجات طبّی که مبتنی بر روش‌های تمثیلی بود، کماکان به حیات خود ادامه داده است.

نتیجه‌گیری:

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد فواید طبی سنگ‌ها و جواهرات قیمتی در کتاب‌های کانی‌شناسی، تاریخ طبیعیات، ادبی، دارویی و پزشکی یافت می‌شود. بخشی از این گزارش‌ها جنبهٔ علمی دارد و از سنگ‌ها در معالجات و ساخت داروها استفاده می‌شد. در متون پزشکی و داروشناسی پزشکان مسلمان، سنگ‌ها و جواهرات در حوزهٔ پیشگیری از ابتلا به بیماری و درمان انواع بیماری‌ها کاربرد داشته‌اند. استعمال سنگ‌ها به شیوهٔ ادویهٔ مفرد، ترکیب با داروهای اقراباذین، همراه کردن سنگ با بیمار بوده است.

شیوهٔ درمانی دیگرِ پزشکان برای معالجه آن بود که به بیمار نوشیدن آب و یا شیری که سنگ گداخته در آن قرار داده شده بود، تجویز می‌کردند. علاوه بر آن بخشی از شیوه‌های درمانگری پزشکان با تأکید بر اثربخشی سنگ‌ها و جواهرات، مبتنی بر نگرش جادویی و باورمندی به خواصّ منحصربه‌فرد آن‌ها بوده است. معالجات و درمان‌هایی که غیرعقلانی بوده و تنها پایهٔ آن رسوخ اندیشه‌های کهانت و روش‌های تمثیلی در طبابت و دانش پزشکی مسلمانان بوده است؛ از آن جمله کاربرد سحرآمیز سنگ‌ها را به ویژه در موضوع زایمان و مراقبت از جنین می‌توان مشاهده کرد.

References:

1. Oulman M. *Tebb Islami dar gharn Dah* Teranslated by: F Badrehei, Tehran: Tous; 2005. P:49,148. [In Persian].
2. ZakaeiY. *Gouharha*. Tehran: Ketabkhaneh Ibn Sina; 1967. P:111-114. [In Persian].
3. Fattahi MM. *Ashnaei ba 36 maktab darmani*. Tehran: Marze Danesh; 2017.P:15.63.66. [In Persian].
4. Naderi N, Ghasemlou F. *Darousazi va Daroshenasi*. Tehran: Ketabkhaneh Daneshnameh Jahan Islam; 2013. P:7,13,69. [In Persian].
5. Fakhre Razi M. *Jame al-Oloum*. Tehran: Ketabkhaneh Asadi; 1968. P:130-131. [In Arabic].
6. Amoli M. *Nafaes al-Fonoun fi Arayes al-Ouyon*. Tehran: Ketbforoushi Islami; 1954-2010. Vol.1, P:20; Vol.3, p:303,333-335, 344. [In Persian].
7. Tash koupri zadeh A. *Meftah al-Sadeh*. Ed by: Kamel Bakri. Mesr: Dar al-Kotob al-Hadiseh. Vol.1, P:332,212,325. [In Arabic].
8. Hakim Hermes. *khavas al-Ahjar va Noughosheha*. Tehran: Entesharat Manshour Samir; 2013. P:2, 7, 12. [In Arabic].
9. Sezgin F. *Tarikh Negareshhay Arabi*. Tehran: Vezarat Farhang va Ershad; 2000. Vol.4, P:60. [In Persian].
10. Mehri F. *Resaleh dar Marefat khavas Ahjar va Sangha.* Motoun Irani. Ed by: J Bashari. Tehran: Ketabkhaneh va Markaz Asnad Majles; 2012. P:198-199, 201, 203. [In Persian].
11. Zavash M. *Kani shenasi dar Iran ghadim*. Tehran: Bonyad Farhang Iran; 1970. Vol.1. P:29. [In Persian].
12. Kamel Ebrahim H. *Al-Ahjar al-Mansoub eli Arstatalis*. Beirout: Dar al-Faerabi; 2016. P:79-80,90. [In Arabic].
13. Jouhari Neishabouri M. *Javaher nameh*. Ed by: I Afshar. Tehran: Miras-e Maktoub; 2005. P:87,107,134, 141,73,106,148, 107, 195, 135, 251. [In Persian].
14. Ibn Beitar Z. *Jame al-Mofradat al-Advieh va al-Aghzeie*. Baghdad: Maktabe al-Mosanna. Vol.l, P:6-12,116,164,202; vol. 4, p:202. [In Arabic].
15. Kashani A. *Arayes al-Javaher va Nafaies al-Atyab*. Ed by: I Afshar. Tehran: Anjoman Asar Melli; 1967. P:115,81-82,132,135. [In Persian].
16. Ibn Nadim M. *Al-Fehrest*. Ed by: MR Tajadod. Tehran: Maktab al-Asadi va al-Jafari; 1973. P:471,562,638,641. [In Arabic].
17. Ibn Masouvaih Y. *Al-Javaher va Sefateha*. Tehran: Daneshgah Oloum Pezeshki Iran; 2010. P: 6,44,73. [In Arabic].
18. Abu Reihane Birouni M. *Al-Jamaher fi Marefat al-Javaher*. Heidar Abad: Dera al-Maaref al- Osmanieh; 1936. P:32, 200, 198,92, 38. [In Arabic].
19. Sharif MM. *Tarikh Falsafeh dar Islam*. Translated by: Nasr Pourjavadi. Tehran: Nashr Daneshgahi; 1989. P:425. [In Persian].
20. Tifashi A. *Azhar al-Afkar fi Javaher al-Ahjar*. Ed by: MY Hasan, M Basyouni. Mesr: Al-Heat al-Mesreih; 1977. P:102,110,132,171. [In Arabic].
21. Sofdi S. *Al-Vafi bel-Vafiat*. Ed by: Helmout Riter. Estanbul: Matbee al-Doule; 1962. vol.1, P:181. [In Arabic].
22. Nasir al-Din Tousi M. *Tansoukh Nameh*. M Modares Razavi. Tehran: Entesharat Etelaat; 1984. P:39,129,133. [In Persian].
23. Mohammad Ibn Mansour. *Maerref al-Javaher*. Ed by: MM Esfahani. Tehran: Motaleat Tarikh Pezeshki; 2012. [In Persian].
24. Ghanemi M. *Ghorazeh Tabieyat*. Ed by: GH Sedighi. Tehran: Anjoman Melli Iran; 1954. P:49. [In Persian].
25. Ikhvan al-Safa. *Mojmal al-Hekmah Tarjomeye Rasaele Ikhvan al- Safa*. Ed by: MT Daneshpajooh, I Afshar. Tehran: Pajooheshgahe Oluome Ensani va Motaleat Farhangi; 1996. P:171. [In Persian].

26. MohammadiFar SH. *Al-Ashaesh taesirgozartarin ketab daroushenasi doran Islami*, Miras Elmi Iran va Islam; 2013. P:35-47. [In Persian].
27. Ghasemlou F. *Daneshnameh Jahan Islam*: *Javaher Nameh*. Tehran: Bounyad Daerat al-Maaref Islami; 2008. Vol.11, P:309. [In Persian].
28. Heravi M. *Al-Abnieh an Hghaegh al-Adveih*. Tehran: Daneshgah Tehran; 1968. P:116,121. [In Arabic].
29. Abu Reihane Birouni M. *Al-Seidaneh fi al-Tibb*, Ed by: A Zaryab, Tehran: Markaz Nashr Daneshgahi; 1992. P:88,635,638. [In Arabic].
30. Ibn Nafis Qarashi A. *Al-Shamel fi al-Senae al-Tibbieh*. Tehran: Daneshgah Oloum Pezeshki Iran; 2009. Vol.9, P:334.341. [In Arabic].
31. Ansari Shirazi A. *Ekhtiarat Badeaei*. Tehran: Sherkat Pakhsh Razi; 1993. P:188, 208, 333,404,421. [In Persian].
32. Hosseini MM. *Touhfeh Hakim* Mo'umen. Ed by: M Najmabadi. Tehran: Ketabforoushi Mostafavi; 1959. P:81-85. [In Persian]
33. Aghaili Alavi Shirazi MH. *Makhzan al-Advieh*. Ed by: MR Shams Ardekani, R Rahimi. Tehran: Sabz arang, Medicine University of Tehran; 2013. P:334-343, 816,457,620. [In Persian].
34. Agha baba Hamedani MM. *Tohfe al-khavanin*. Tehran: Moaseseh Motaleat Tarikh Pezeshki; 2011. [In Persian].
35. Abu Reihane Birouni M. *Fehrest Ketabhay Razi*. Ed by: M Mohaghegh, Tehran: Daneshgah Tehran; 1988. P: 16. [In Persian].
36. Rhazes. *Gozideh rasael davazdah ganeh kimiya*, Ed by: E Moghadas, Tehran: Niloubarg; 2016. P: 22-23. [In Persian].
37. Rhazes. *Al-Havi fi al-Tibb*. Beirut: Dare Ehyae al- Torase al- Arabi; 2000. Vol.1, P:67,101,269,405,341,281; Vol.2, P:338,204,188,33; Vol.3, P:344, 465,339; Vol.5, P: 12,339; Vol.6, P:127; Vol.7, P:480. [In Arabic].
38. Rhazes. *Al-Mansuri fi al-Tibb*. Ed by: HB Sedigh. Kouveit: Al-Monazameh al-Arabieh, al-Seghafeh; 1988. P:249,258, 612,629. [In Arabic]
39. Rhazes. *Man La Yahzaraho al-Tabib*. Mesr: Dare Rekabi Lelnashr; 1998. P:59. [In Arabic].
40. Rhazes. *Al-Tibb al-Molouki*. Ed by: MY Zokor. Beirut: Dar al-Minhaj; 2008. P:310. [In Arabic].
41. Rhazes. *Taghasim al-Elal*. Ed by: SM Hamami. Halab: University of Halab; 1992. P:122,368. [In Arabic].
42. Avicenna. *Shefa [Tabieyat]*. Ed by: S Zaed, Qom: Ketabkhaneh Marashi; 1984. Vol.2, P:1, 2-24. [In Arabic].
43.Avicenna. *Al-Qanun fi al-Tibb.* Beirut: Dar al-Ehyae al-Arabi; 2005. Vol.1, P: 346,460,458; Vol.2, P:449,282,238,321,221,378; Vol.3, P:107,46; Vol.4, P:91,457, 459,378,383,196,179,331. [In Arabic].
44. Majusi Ahvazi A. *Kamel al-Sanae al-Tebbiah*. Qom: Jalal al-Din; 2009. Vol.3, P:199,201,365,315,385,479; Vol.4, P:90. [In Arabic].
45 Akhaweyni R. *Hedayat al-Motaalemin fi al-Tibb*. Mashhad: Daneshgah-e Ferdowsi; 1992. P:491. [In Persian].
46. Jorjani I. *Yadegar*. Ed by: M Mohaghegh. Tehran: University of Tehran; 2002. P:361,203,291. [In Persian].
47. Jorjani I. *Khofi Alaie*. Ed by: AA Velayati. Tehran: Etelaat; 1990. P:210. [In Persian]
48. Jorjani I. *Al-Aghraz al-Tebbieh and al-Mabahes al-ala'yeh*. Tehran: Bounyad Farhang Iran; 1975. P:498,500,554,622. [In Persian].
49. Jorjani I. *Zakhireh Kharazmshahi*. Qom: Moaseseh Ehyae Tib Tabiee; 2012. Vol.2, P:238,206,305,255,937,841; Vol.3, P:378. [In Persian].
50. Al-Zahrawi A. *Al-Tasrif Leman al-Ajz en al-Taalif*. Ed by: SM Hamami. Kouviet: Moaseseh al-Kouveit le Taghadoumi; 2004. P:366,775,882,908,1118,1038,1040. [In Arabic].

51. Ibn Ghuof A. *Al-Oumdeh fi al-Jarahe*. Heidar Abad: Dera al-Maaref al-Osmanieh; 1937. Vol.2, P:229,231. [In Arabic].
52. Ali Ibn Houssein. *Tazkereh al-kahhalin*. Tehran: Daneshgah Oloum Pezeshki Iran; 2009. P:123,246,340. [In Arabic].
53. Hunayn Ibn Ishagh. *Fi Hefz al-Sanan va al-Laseh va Steslaheha*. Ed by: MF Al-Zakeri. Halab: Dar Al-ghalam;1996. P:59,129-130,131. [In Arabic].
54. Hakim Maysari. *Danishnamah dar elme pezeshki*. Ed by: B Zanjani. Tehran: University of Tehran; 1994. P:65. [In Persian].
55. Farkhondehzadeh M. *Raveshhay tamsili va andishehay kehanat dar Ferdous al- Hekmah Ibn Rabbane Tabari*. Tarikh Elm. 2016; P:51-63. [In Persian].
56. Ibn Abu Usaibae A. *Uyūn al-Anbā fī Ṭabaqāt al-Atibbā*. Mesr: AlHeyat al-Mesreyh; 2010. Vol.3, P:11,34. [In Arabic].
57. Ibn Rabbane Tabari A. *Ferdous al-Hekmah fi al-Tibb*. Mohaghegh MZ Seddiqi. Berlin: Matbaee Aftab; 1928. P:310,440,526,524,535,184,226,227,386,448,237. [In Arabic].
58. Rhazes. *Moufid al-khas fi Elm al-khavas*. Ed by: E Moghadas. Tehran: Niloubarg; 2016. P:8. [In Persian].
59. Rhazes. *Al-Morshed*. Mesr: Maehad al-Makhtotat Be Jameea al-Douval al-Arabieh; 1995. P:139. [In Arabic].
60. Baladi A. *Tadbir al-Hobala va al-Atfal va al-Sebyan va Hefze Sihhatihem.* Baghdad: Dar al-rashid lennashr; 1980. P:169. [In Arabic].
61. Hamedani M. *Ajayeb nameh*. Tehran: Markaz Nashr; 1997. P:337,393. [In Persian].
62. Ghazvini Z. *Ajayeb aI-Makhloughat va Gharib al-Mojoudat*. Tehran: ketabkhaneh Naser khousro; 1961. P:191,211. [In Persian].
63. Ansari Dameshghi SH. *Noukhbeh al-Dahr fi Ajayeb al-Bahr.* Td by: H Tabibiyan. Tehran: Farhangestan Adab va Hounar Iran; 1997. P:196,101,103,109. [In Persian].